

**MARVEL**

**4**

**CATES  
STEGMAN  
MAYER  
MARTIN**

# WOLF BLOOD



*STEGMAN*  
*MAYER* *CRANK*

**دورنام**  
dorname.ir



میلیان

بلند نشو  
بچه

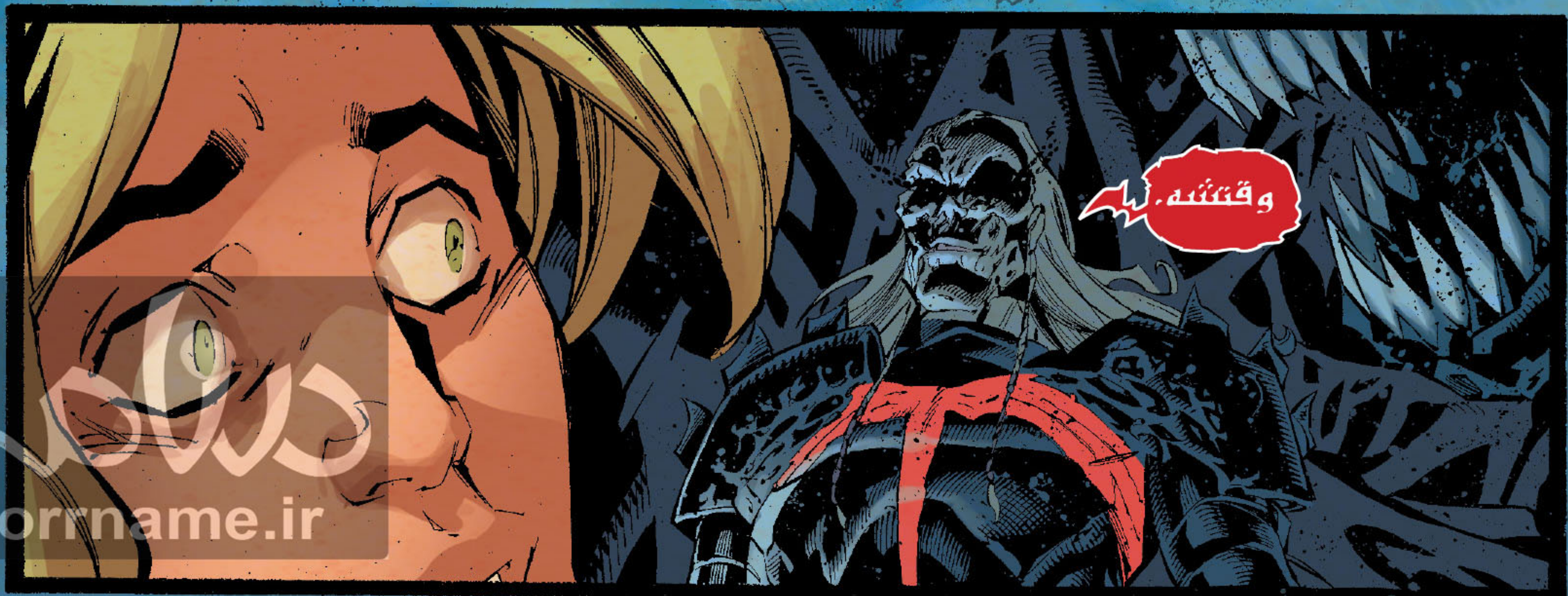
میلیان

وقتیشه...

میلیان

نترس...

میلیان



وقتیشه...



دیلان.  
دیلان، به من  
گوش کن...

ب-بس کن!  
از سرم بیرون!

آروم باش بچه.  
نیومدم بهت صدمه  
بز نمر...

دیلان...  
آروم باش. به  
من گوش کن...



تو...

کندهای من.  
بچه های... نشور نئی...  
من...

تو خاص  
هستی. به چیز  
جدید.

تو رو  
ساختند تا منو  
نابود کنی.

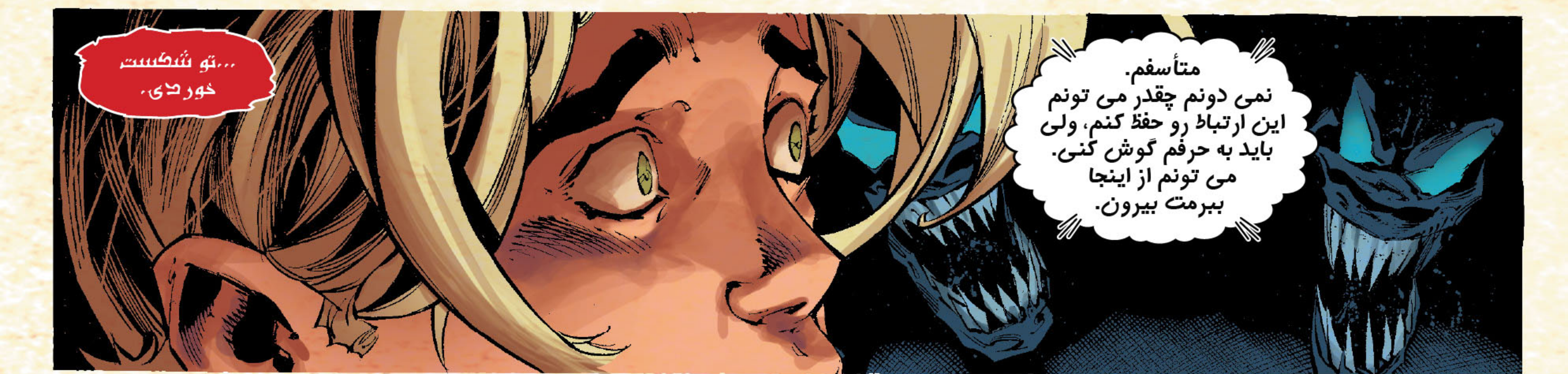


دیلان...  
می تونی صدامو  
بشنوی؟

می تونم صداتو  
بشنوم... تو کی هستی؟

ولی...  
همونطور که  
می بینی...

...نمی تونی  
ردت کنی. قهرمانان  
شما سقوط کردند. این  
سیاره مال منه. و  
تو...



...تو شکست  
خوردی.

متأسفم.  
نمی دونم چقدر می تونم  
این ارتباط رو حفظ کنم، ولی  
باید به حرفم گوش کنی.  
می تونم از اینجا  
ببرمت بیرون.

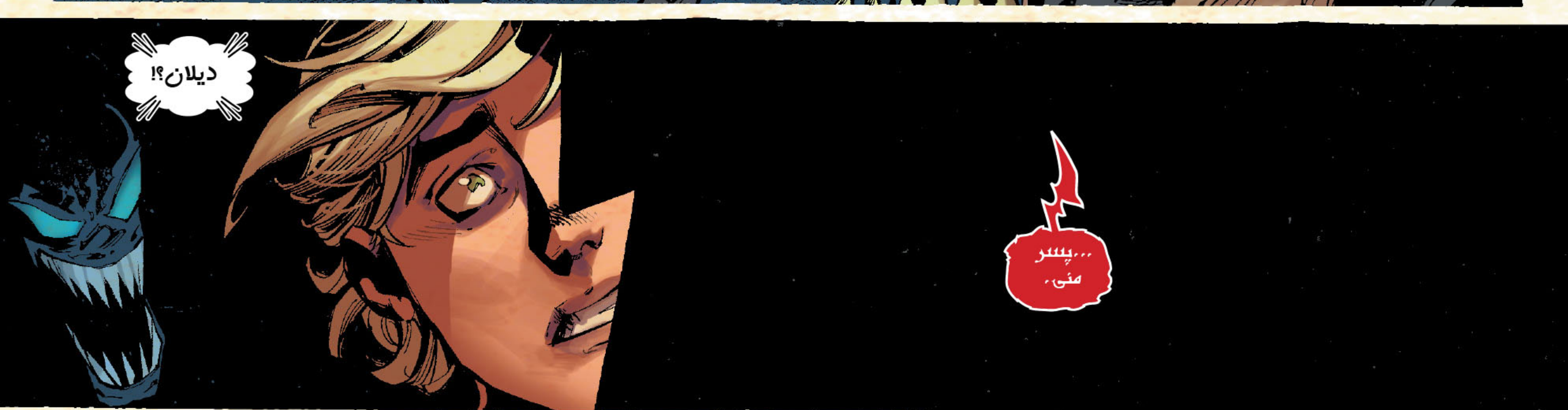


نال اشتباه کرد تو رو آورد اینجا. می تونی ازش  
استفاده کنی. از قدرت خودت برای نفوذ  
به کندوش استفاده کن.

ولی لازم  
نیست تو اینجا  
به این شکل بمیری.

تو برای من  
خاص هستی.

تو از خیلی  
جهاست...



دیلان!؟

...پس  
منی.

می تونی این  
کارو بکنی. به من  
گوش بده. می تونی به  
منشا قدرت های خودت  
متصل بشی.

می تونی  
ازش به عنوان یه  
آنتن برای کنترل  
استفاده کنی...

خفه  
شو!!!

من تاریکی  
رو به تو هدیه  
می دهم. به کمک هم  
این جنگ رو تموم  
می کنیم.

به من  
ملحق بشو...

...و گرنه  
این دنیا رو با خاک  
یکسان می کنم.

آره...

پس  
خوب.

تو...

کنترل  
دست  
خودمه.

...تو پدر  
منو کشتی.

آآخخ!

آره!  
دیوان سریع!  
حالا بهش  
نفوذ کن!

از طریق ذهن  
کنند!

آره!  
درست داری پیش  
می ری اداری  
نجاتشون می دی!

می دونم درد  
داره!  
آآخخ!!!  
خیلی... زیاده!

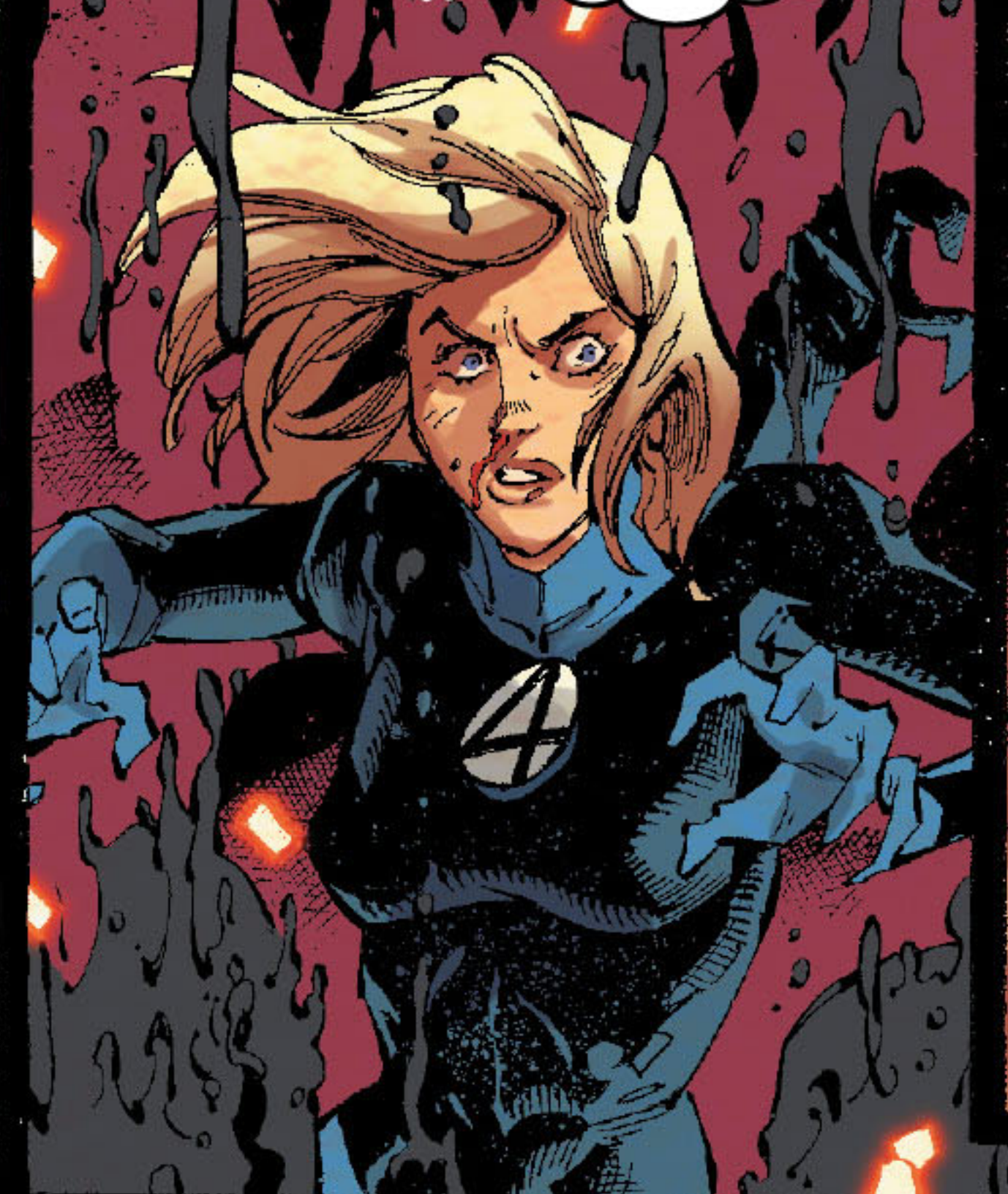
ادامه  
بدها فشار بیار!

ننگه!  
نمی تونم...

فقط به  
کم دیگه! فقط به  
شانس داریم!

صبر...  
کنید!

به صاعقه  
نیاز داریم...  
آتش و سروصدا به این  
سیمپیوت ها آسیمی  
نمی زند. من به  
نقشه دارم.





...و جادو!

آآهه!!!  
استرنج! کمک کن!  
نمی تونم...

فلیشیا!



آآخخخ!



دکتر استرنج!!!  
می تونی صدای منو  
بشنوی!؟



آره... آره،  
می تونم صداتو  
بشنوم.

یه کم  
به بازی دیر  
رسیدم،  
نه؟

شک  
دارم.

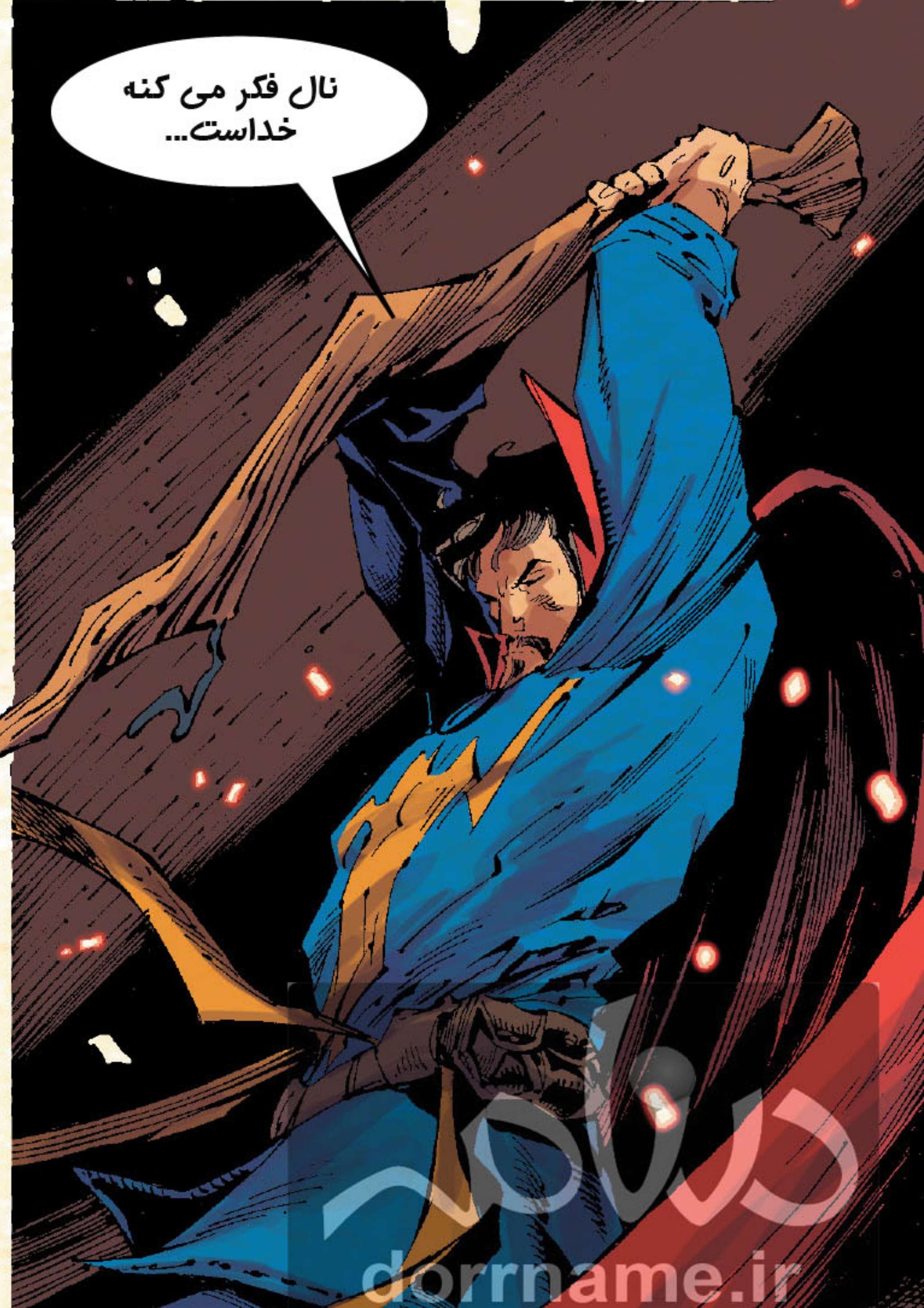
در اولین  
فرصت خودمو رسوندم.  
حالا گوش کن... من یه  
نقشه مبارزه به مغزت  
دانلود می کنم. ممکنه  
یه کم درد داشته  
باشه.



چوب  
من فلیشیا.  
سریع.

داشتی با  
کی حرف می زدی؟  
چه اتفاقی داره  
می افته؟

به نظر می رسه  
که یه برنامه... نسبتاً  
سخت داره شکل می گیره.  
و من شخصا از اینکه کنار بشینم  
و نگاه کنم خسته شدم...



نال فکر می کنه  
خداست...

# KARRACK

...خوب  
...پس...

...این بازی  
دو نفره هم می تونه  
باشه.

داره از  
همه خوشم  
میاد.

سایکلوپس

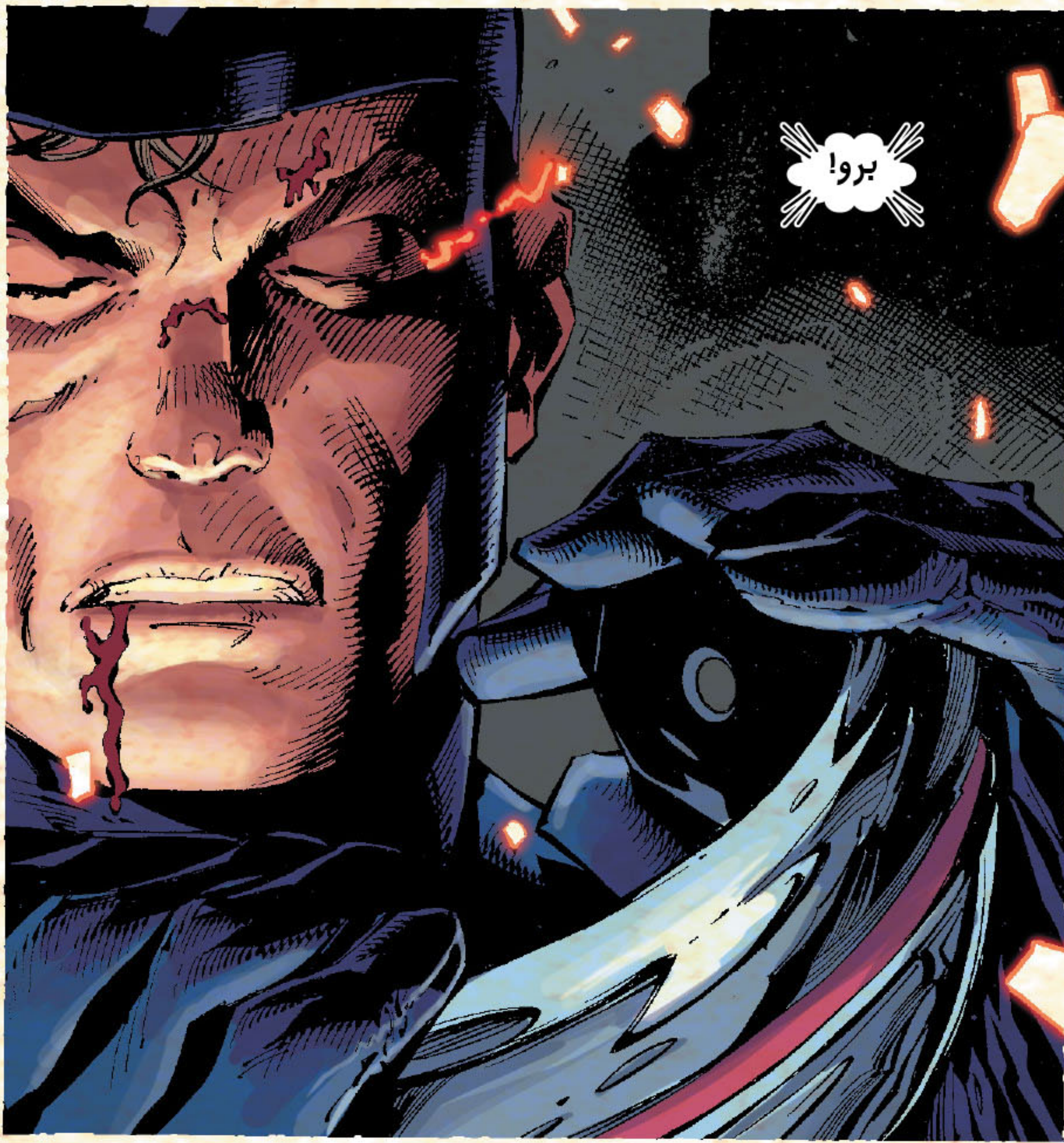
مشعل  
انسانی.

زن نامرئی.

دکتر  
استرنج.

ثور.

با علامت  
من.





خوبه!  
حالا فشار  
بیارا!

باید همشونو  
بکشیم به سمت  
مرکز شهر!

نیمور

تو مسئول  
این کاری.

به موقع.

BOOM

هی... بچه ها؟  
یه ملاقات یا چیزی مثل  
اونو از دست دادم؟

اسپایدرمن، از  
اونجا دور شو! خطر داره  
نزدیک می شه!

حالا  
شما بگید!

KLANG

خطری  
نیست!

طوفان!

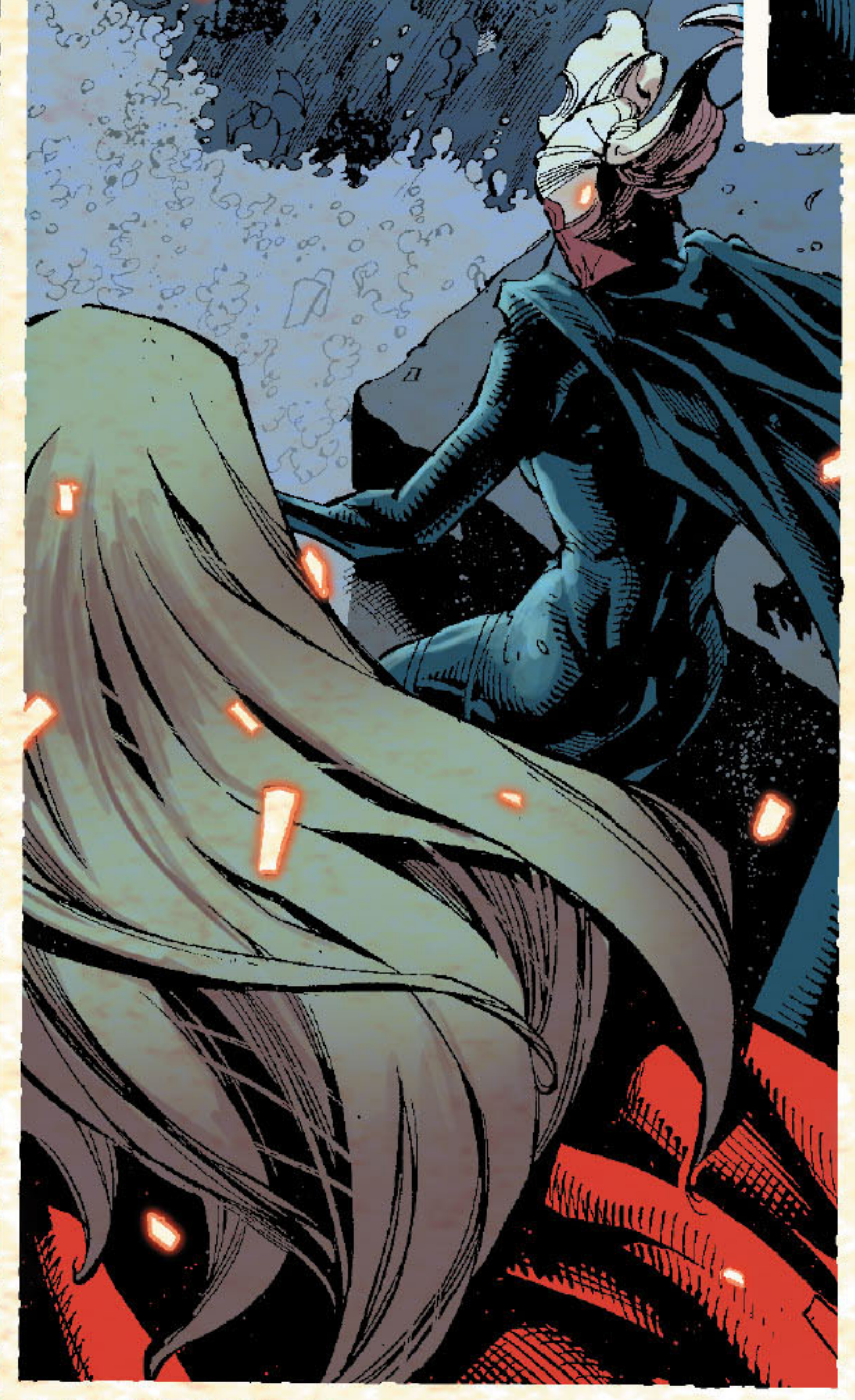
ثور!



با کمال  
میل.

حتماً.

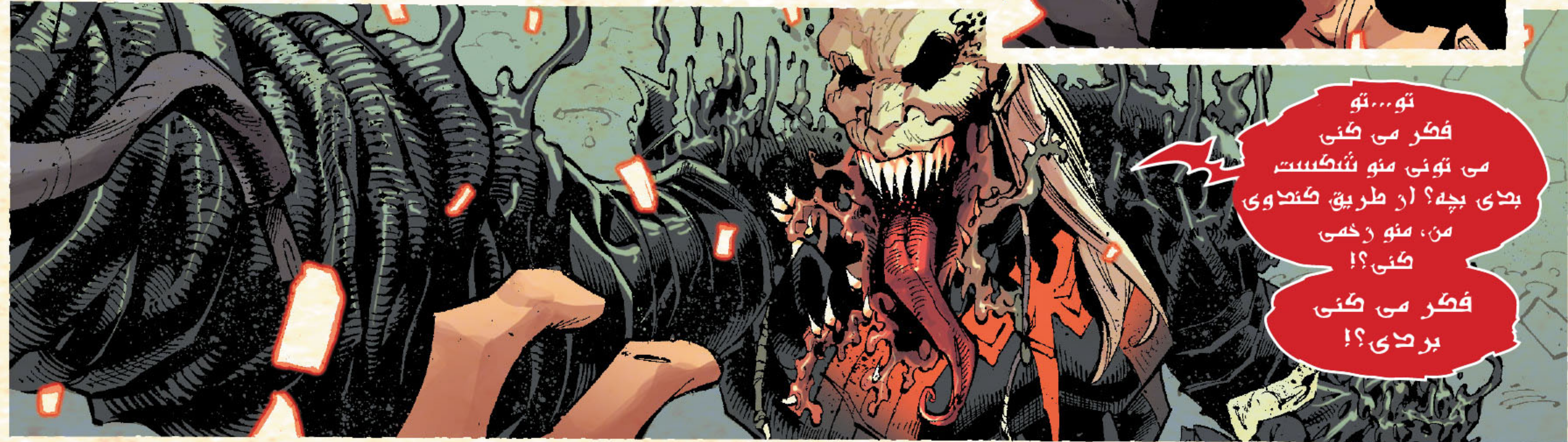
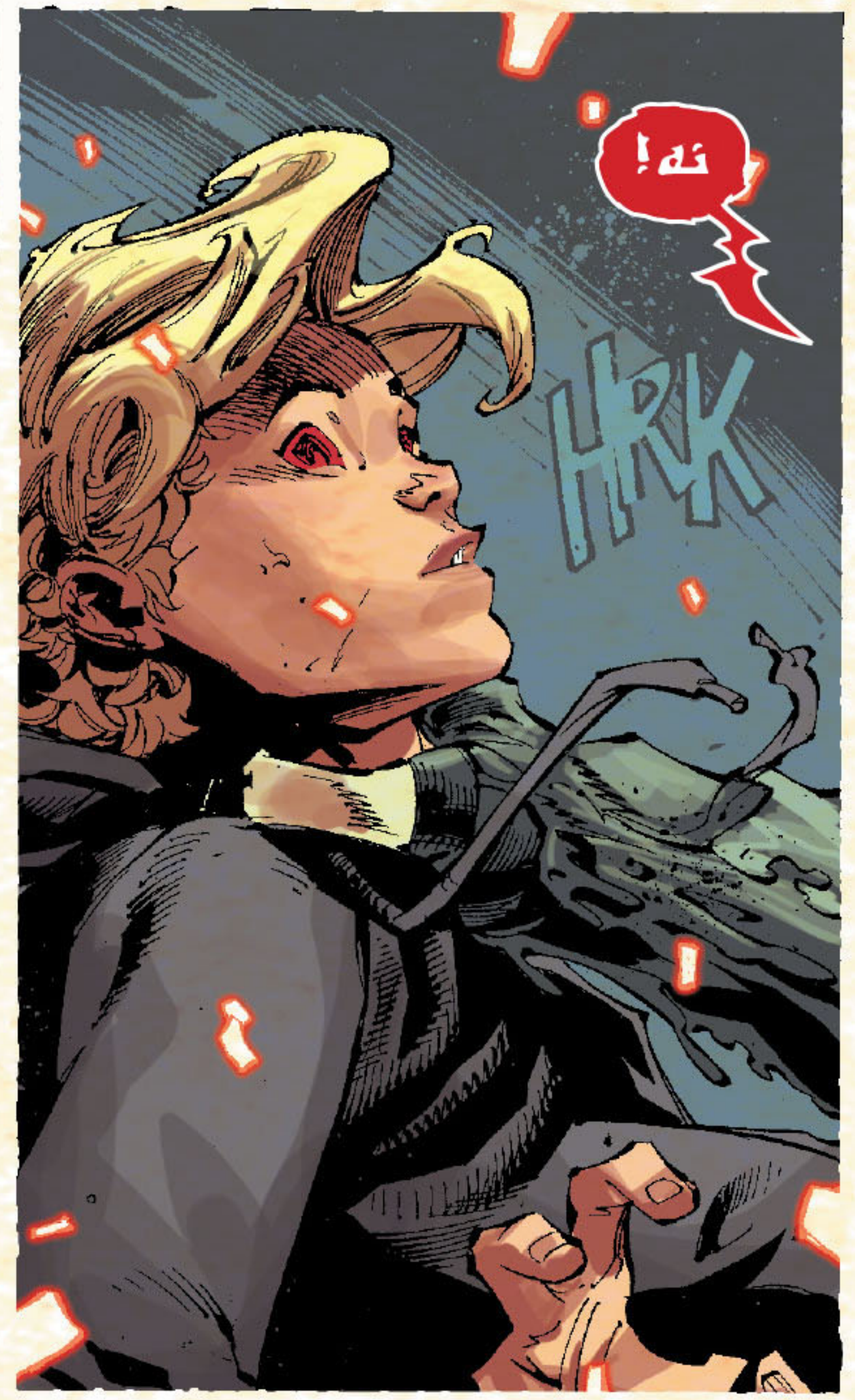
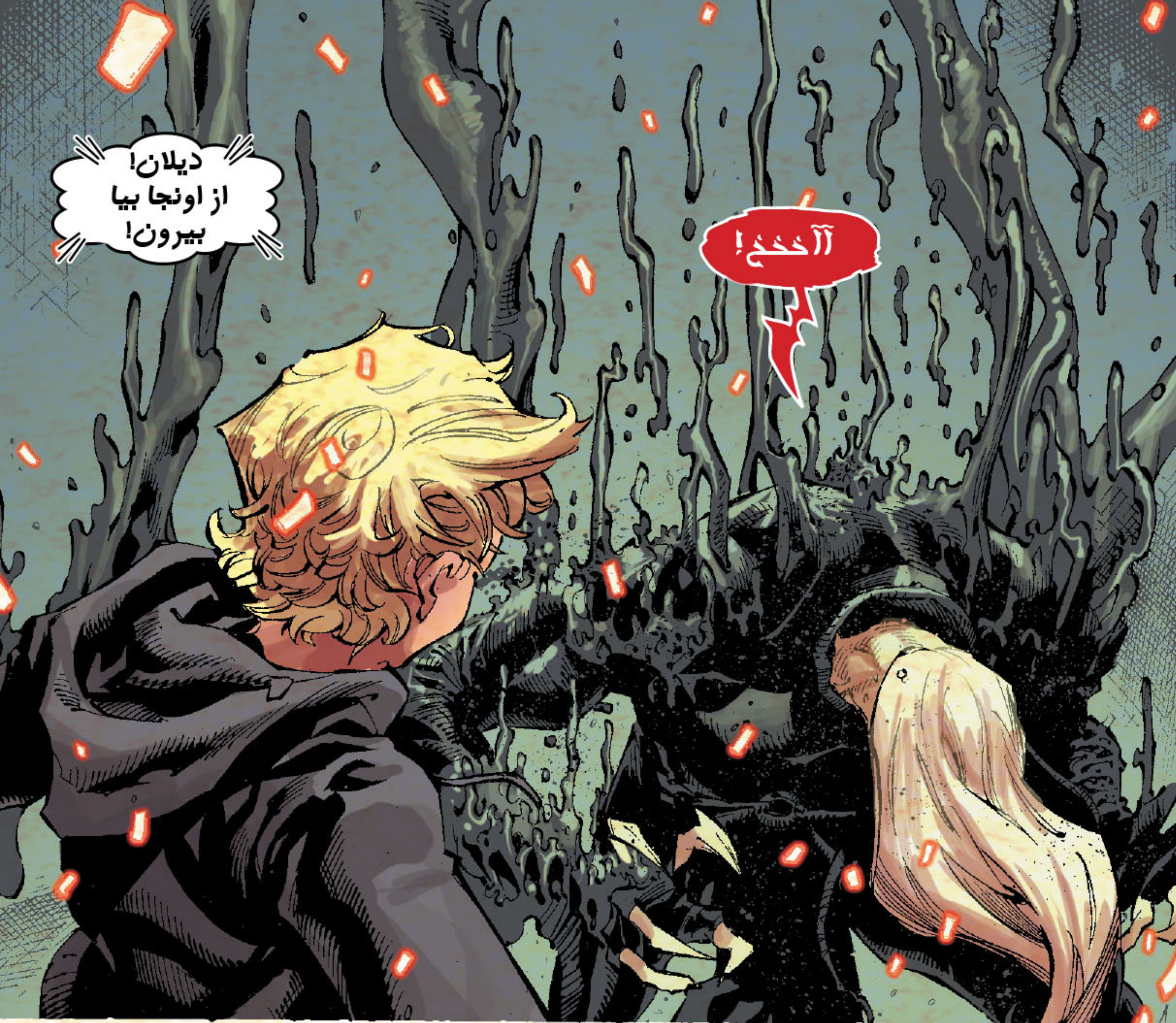
روشنش  
کندا



دیوان! از اونجا بیا بیرون!

آآخخ!

نه!



تو... تو فکر می کنی می تونی منو شکست بدی بچه؟ (ان طریق کندهی من، منو زخمی کنی؟! فکر می کنی بر دی؟!)



ولی تو منو شکست ندادی پسرا! و تو تنهایی! کسی نمیاد...

راستش اینجاست که من وارد می شم.



کی... کی هستی؟ خودتو نشون بده! کی جرادتشو داره وارد کاهن من بشه؟!)



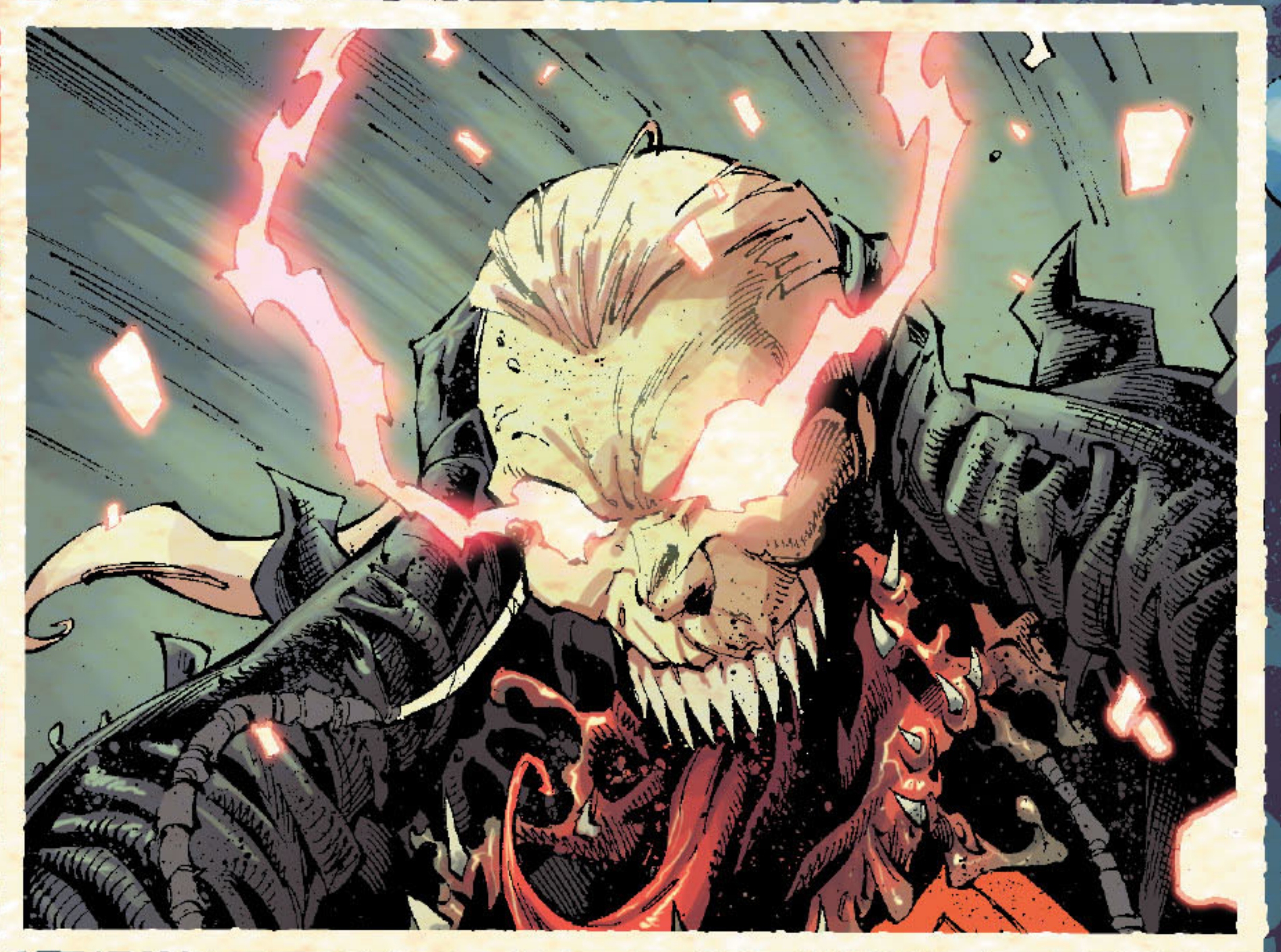
فکر نمی کنم به هم معرفی شده باشیم.

آآخخ!!

اسم من  
جین گریه.  
حالا...



...بذار ببینیم چی  
خون تو رو می ریزه.





اوہ...  
خدایا...  
ذهن اون...  
ذهنش...



"...سردہ..."

"نمی توئم  
نمی توئم چیزی  
پیدا کنم..."

"نمی توئم چیزی پیدا  
کنم که بشه باهانش  
بہش ضربه زد..."

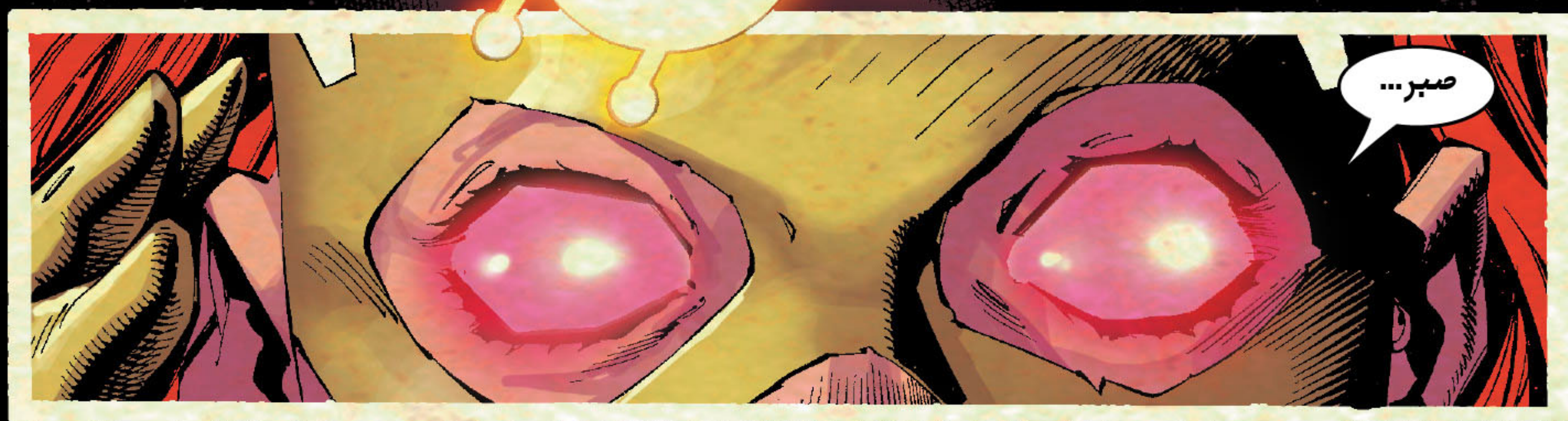
"اون... تاریکی رو  
ساختہ..."

"...و با ارادہ اش  
بہش شکل داد..."

"ہمہ چیزو  
شکست دادہ..."

"اون... خدای  
من..."

"چیزی نیست  
کہ بتونیم..."



صبر...

"یه چیز دیگه..."

"یه چیز دیگه وجود داره..."

"یه عکس العمل."

"یه متضاد."

"نال...اون ارباب ورطه است."

"ولی اون تاریکی نیست."

"اون...تاریکی...خیلی قبل تر از نال بوده."

FLA-BOOM

"و به همراه تاریکی..."

"...نور هست."

"که بر علیه اش قیام کرده."

"اون...خودشو با جنگجویان یکی کرده تا در برابر نال شورش کنه."

"...نور...  
ساکت بوده...  
زنده..."

"اون به این لشکر... نیرویی  
غیرقابل تصور داده."

"ولی... کافی  
نبوده..."

"نور... در  
آن زمان... جوان  
بوده..."

"... و از طرف تاریکی  
ارباب شده..."

"... خیلی ضعیف  
شده..."

"و بنابراین..."

"به یه چیز  
جدید تبدیل  
شده..."

"اون... یه نیروی  
واحد در جهان  
هستی رو انتخاب  
خواهد کرد..."

"و با اون یکی  
خواهد شد."

"تا اونها رو بهتر  
کنه."

"تا اونها رو به قدری  
تقویت کنه که در برابر  
سیاهی ایستادگی کنند..."





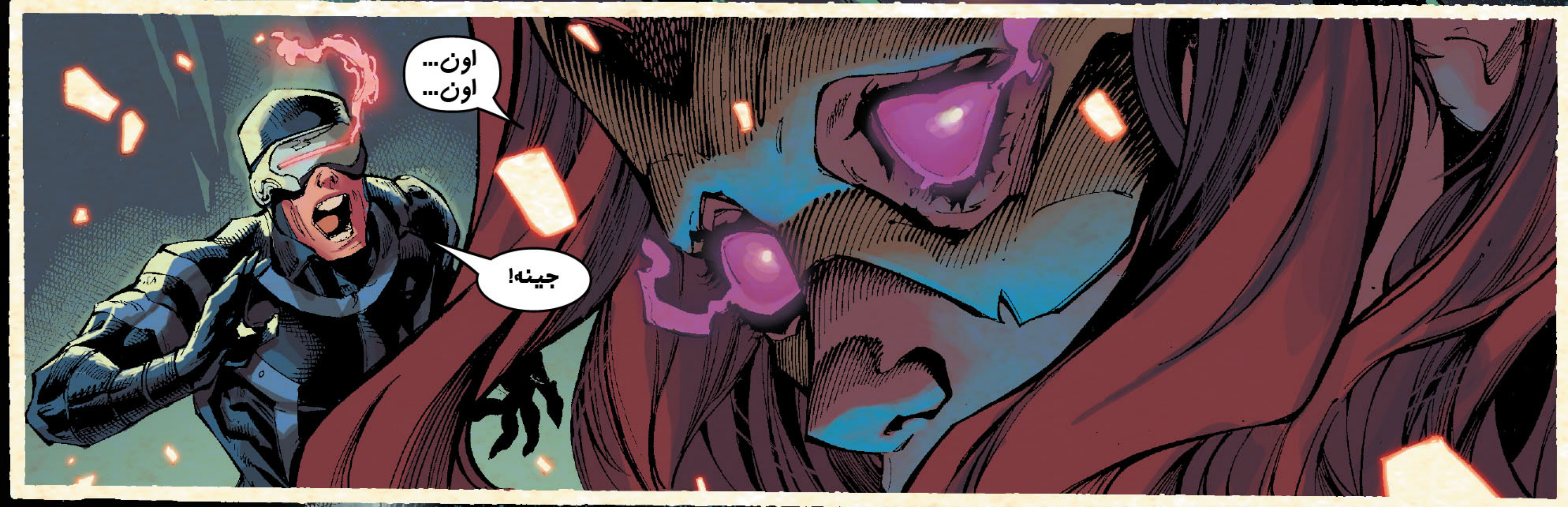
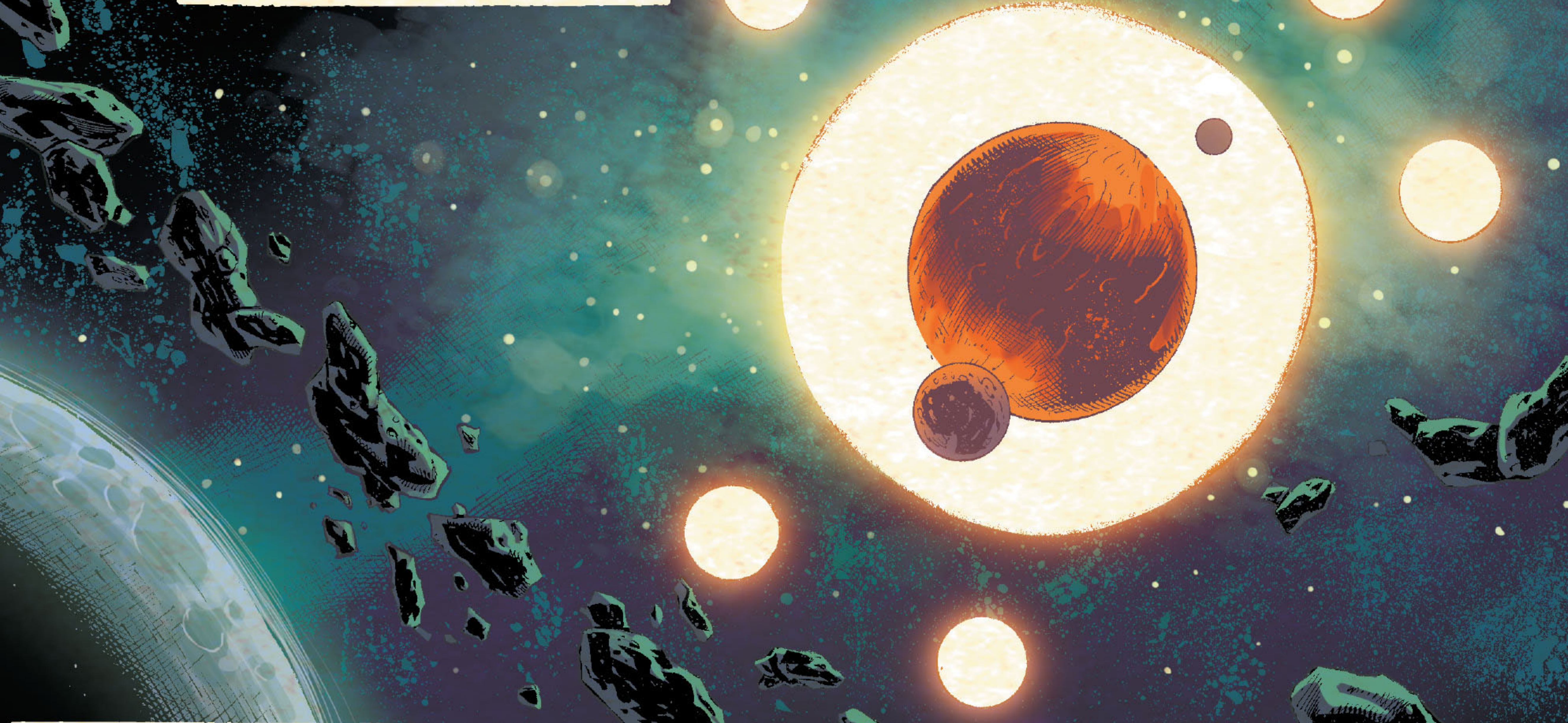
خدای من...  
اون...یه  
سیمپوته...  
متضاد اون...

اون...یه  
سیمپوته...

متضاد اون...



...ارباب  
نورا



اون...  
اون...

جینه!



جین...  
چی شده؟ چی...  
اون  
اینجاست...



ارباب  
نور...

اون اینجاست.  
داره سعی می کنه وارد  
بشه... ولی نمی تونه...

”گیر افتاده...“

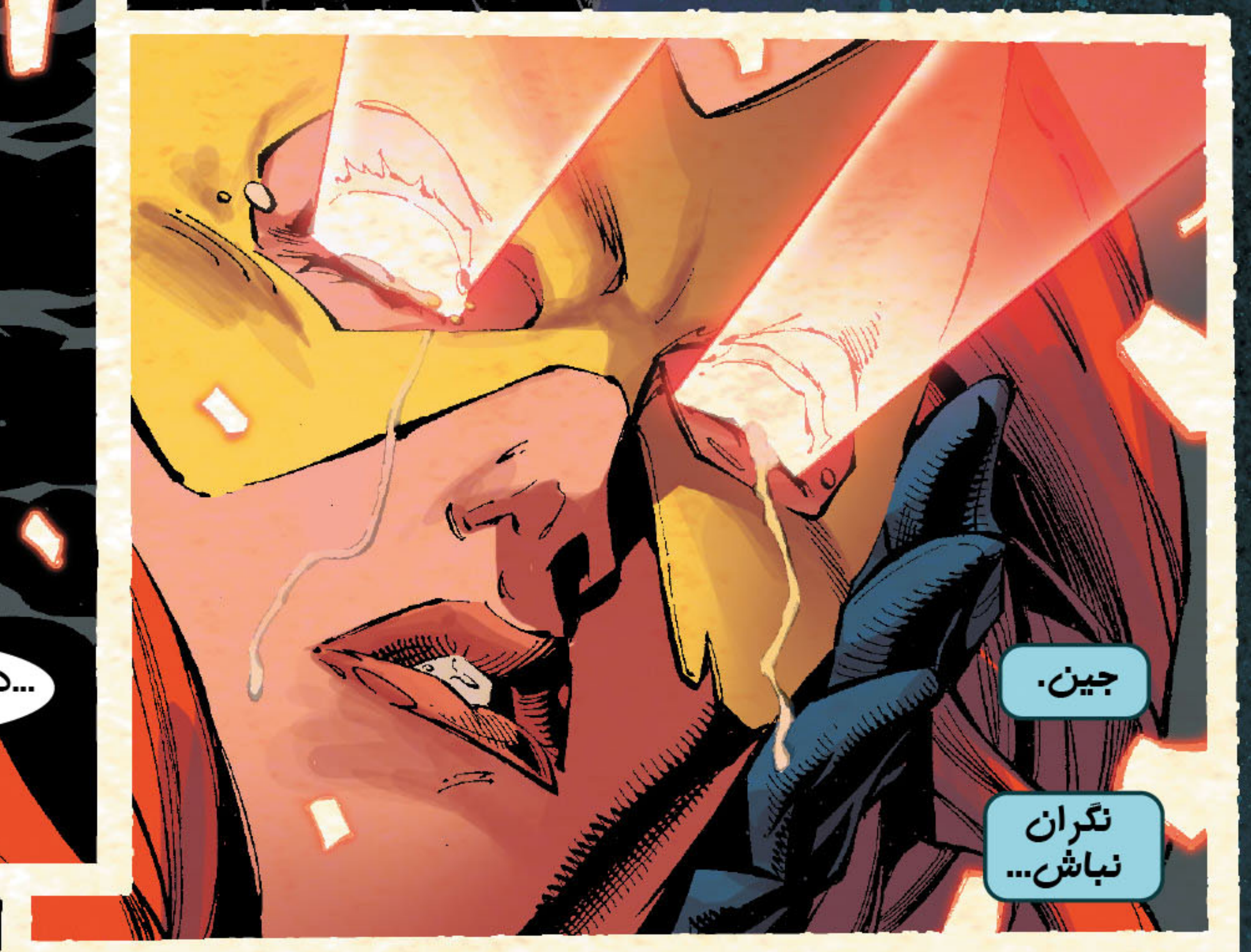


”می تونم  
صداشو بشنوم...“

”اون...“



...داره فریاد می زنه...



جین.  
نگران  
نباش...



من  
اینجام...

۴۴۴۴

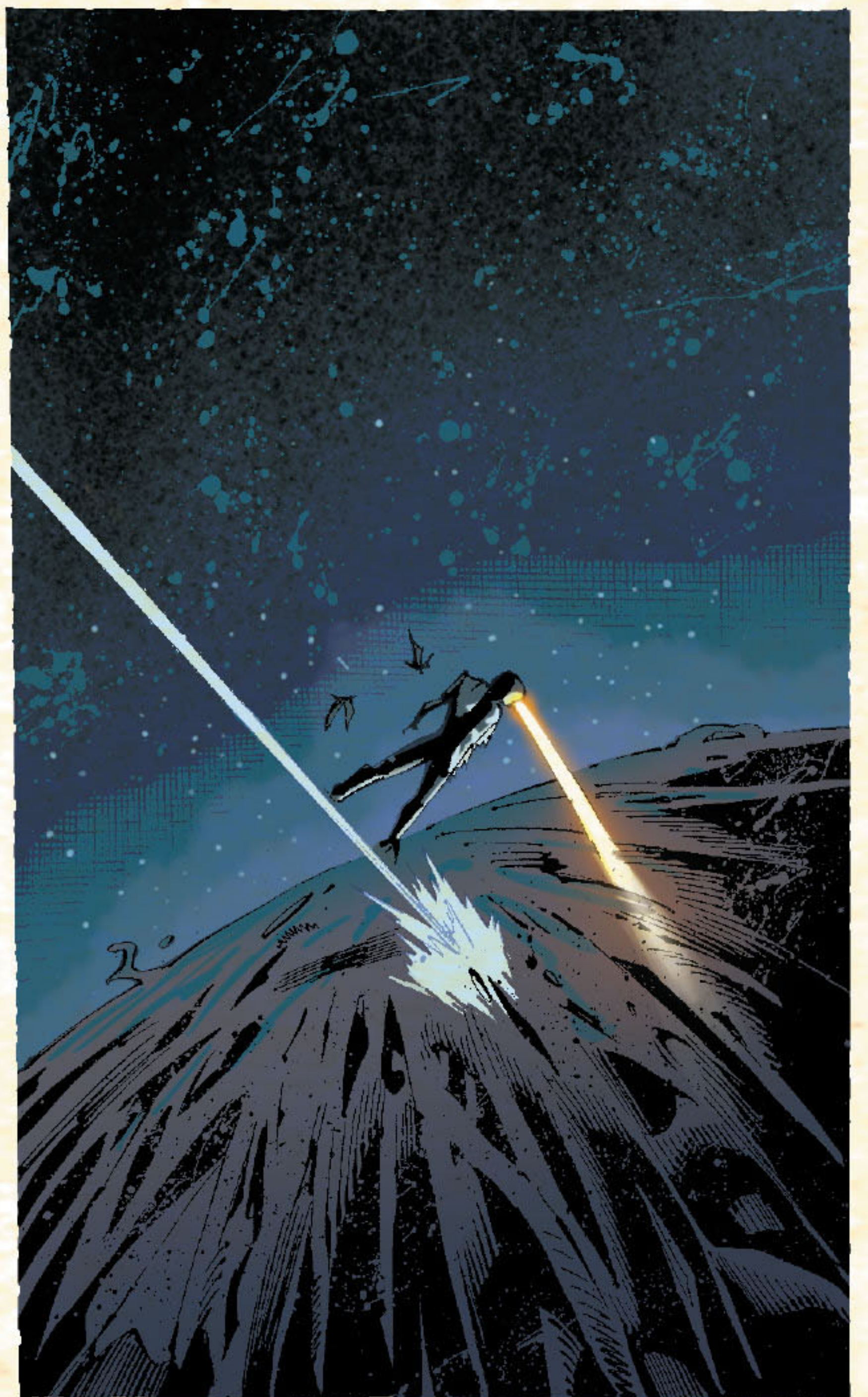


نور رو  
می بینم.

اون نمی تونه رد بشه.  
نمی تونه از مانع رد بشه.



ولی من  
می تونم.



WAAAA

BOOOOOM!

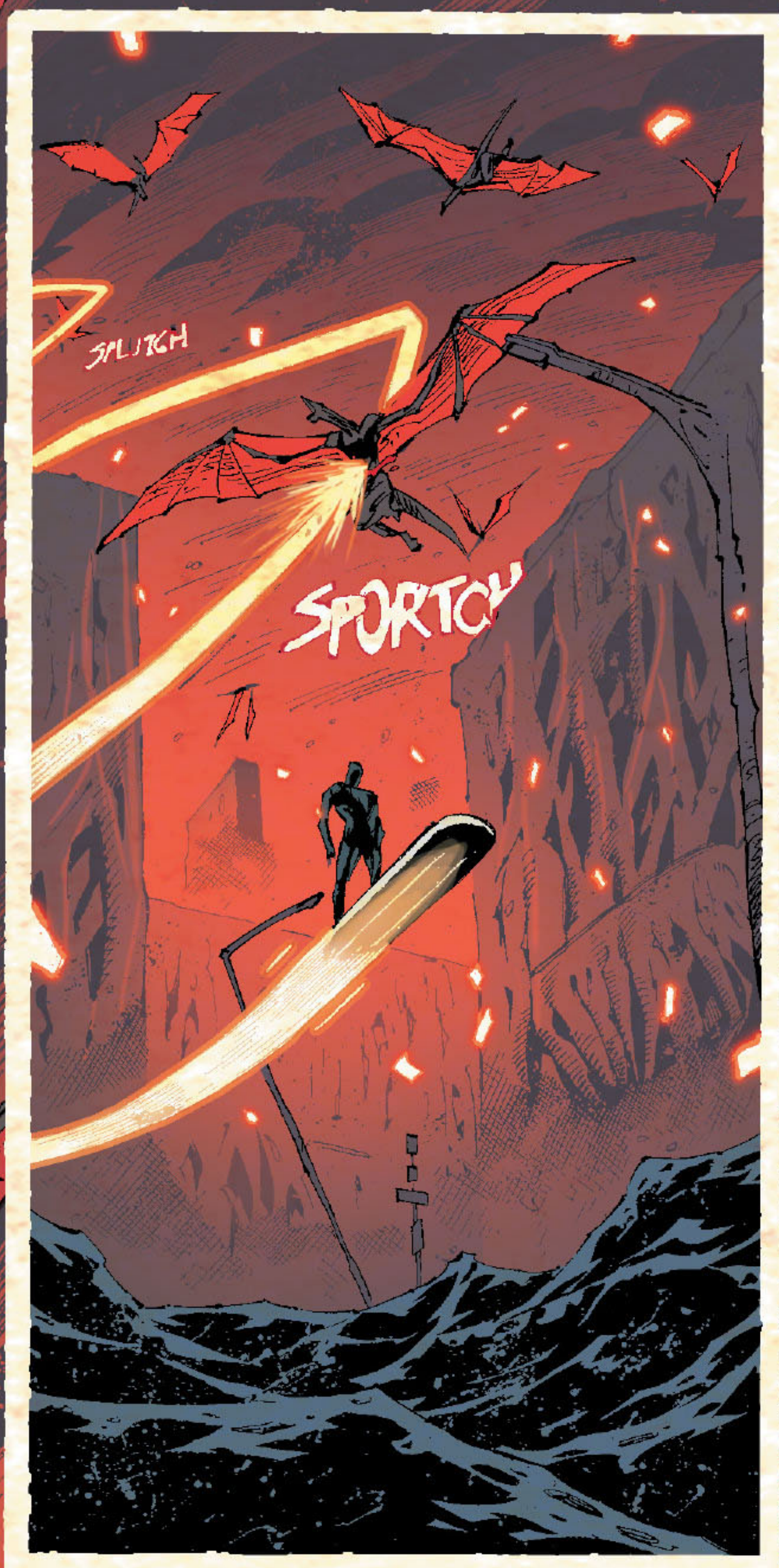
SPLAT

SPLUNCH

SLURTCH

SPLINT

SPLAT



اوہ...  
می بینم...  
تو برای  
من اینجا  
نیستی...  
پس  
برو...

”... برو و  
جنگجوی خودتو  
پیدا کن.“

VWA A A A A A A A A



خدای من...  
...

جین...  
این علائم... این منبع انرژی.

حق با تونه...  
مثل یه سیمپیوت رفتار می کنه.  
همیشه...

این...  
ارباب...  
نوره...

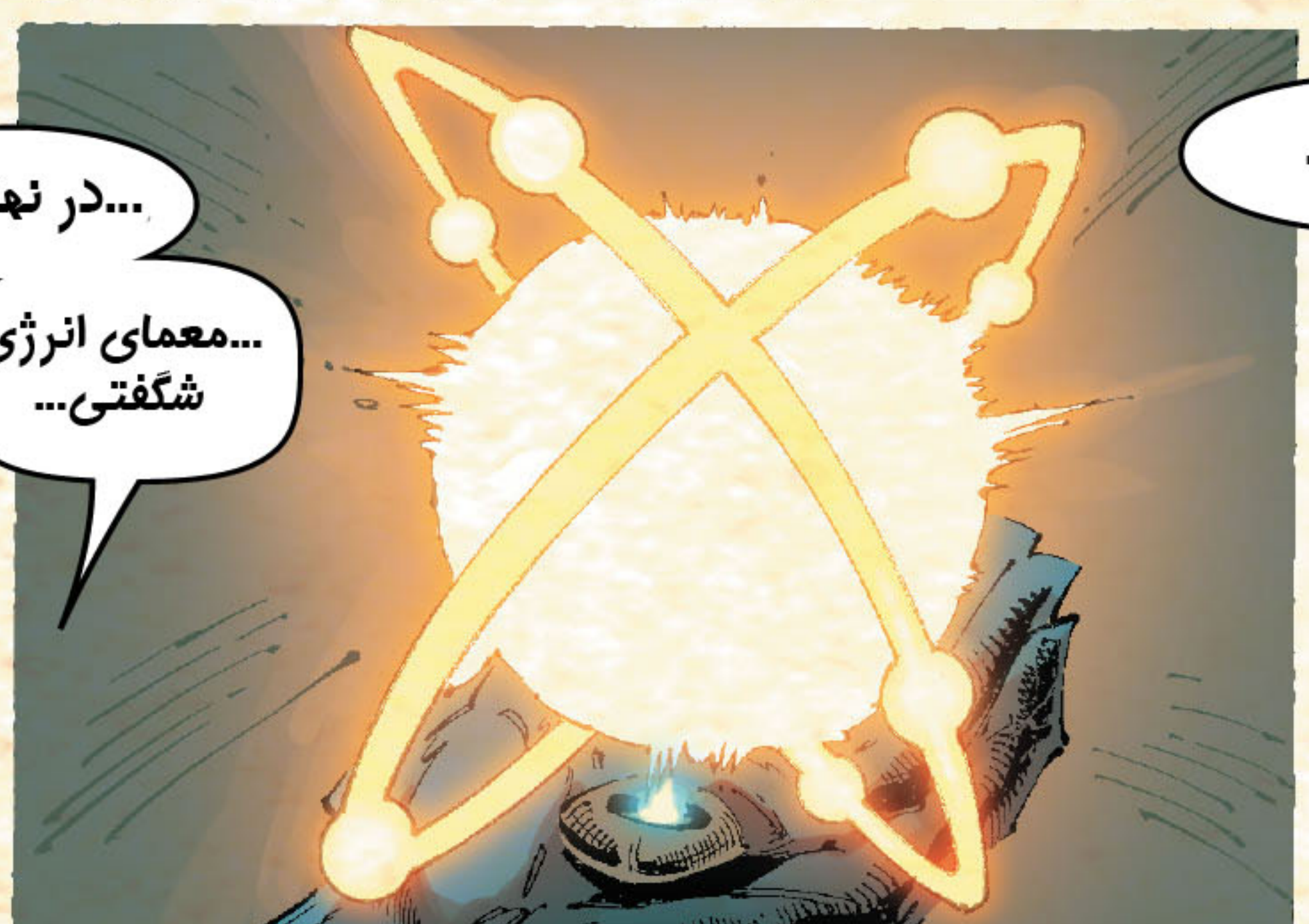
من...  
می دونم این چیه.



همه می دونیم...  
فقط با اسم نادرست صداش می کردیم...



هه...  
"کاپیتان" یونیورس.



در نهایت...  
...معمای انرژی شگفتی...

...حل شد.



FWAAAAAA

ادوارد  
براک.

تو انتخاب  
شدی.

ادامه دارد!

قسمت بعد



پادشاه سیاهپوش #۵